

## تبیین ماهیت رویکرد «کیفیت زندگی شهری» در تئوری‌های طراحی شهری

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۳۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۱۰/۱۵

سیدحسین بحرینی\* - ملیحه علی قلعه باباخانی\*\*

رضا سامه\*\*\*

### چکیده

کیفیت زندگی شهری یکی از رویکردهای جدید به مسائل شهری است که به موجب آن طراحان و برنامه‌ریزان شهری راهکارهایی جهت تحقق آن ارائه می‌دهند که نشان از اقدامات جدی در خلق تغییرات مثبت در محیط زندگی شهری است. هدف اصلی این پژوهش تبیین یک چارچوب مفهومی برای بررسی ماهیت «کیفیت زندگی شهری» در گونه‌های مختلف تئوری‌های طراحی شهری است تا از طریق آن بتوان به فهم عمیق‌تری نسبت به موضوعات اساسی در این حوزه پرداخت، به سطح و روش به کارگیری آن جامعیت بخشید و ابعاد مختلف این رویکرد از قبیل جهت‌گیری فلسفی و مبانی معرفتی را روشن ساخت. برای انجام این پژوهش، بخشی از گونه‌شناسی‌های مرتبط با انواع تئوری‌های طراحی شهری از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده و براساس آن با تکیه بر روش استنباط استقرایی و تحلیلی به تبیین ماهیت این رویکرد در میان گونه‌های مختلف تئوری‌های طراحی شهری پرداخته شد. رویکرد کیفیت زندگی شهری در پی انتقادات به شیوه برنامه‌ریزی خردگرا وارد مطالعات شهری شده و در سطوح مختلف قابلیت کاربرد را دارد. این رویکرد با شناخت و تفسیر وضعیت موجود از جنبه‌های عینی و ذهنی، فرآیندهایی را جهت ارتقاء ارزش‌های زندگی شهری ارائه می‌کند. اگرچه غایت این رویکرد، برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی برای ابعاد کالبدی و عینی شهر است، ولی شناخت کیفیت موجود شرایط زندگی و تعریف ارزش‌های هنجاری براساس دیدگاه و ذهنیت ساکنین می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** کیفیت زندگی شهری، طراحی شهری، گونه‌شناسی، تئوری‌های هنجاری، ابعاد عینی، ابعاد ذهنی.

## مقدمه

امروزه کاربرد تئوری به عنوان یک «چارچوب مفهومی»<sup>۱</sup> نظام‌یافته برای توصیف، تفسیر، پیش‌بینی و توصیه‌هایی در قبال پدیده‌ها در حوزه طراحی شهری اجتناب‌ناپذیر است، به عبارتی فعالیت طراحی شهری بدون وجود تئوری نمی‌تواند صورت بگیرد؛ اگرچه ممکن است آگاهی به وجود این تئوری در مواردی وجود داشته و یا نداشته باشد. به موجب تحولات جهانی، علاوه بر افزایش کمی تئوری‌های حوزه طراحی شهری، محتوای کیفی آن‌ها تغییراتی را پذیرا شده‌اند، به طوری که در عصر حاضر انعکاسی از ایدئولوژی‌های نئولیبرالیسم، جهانی شدن و چندفرهنگی، پایداری و غیره هستند. تحولات تئوری‌های طراحی شهری از یک‌سو و لزوم درک و تحلیل محتوای آن‌ها به منظور به کارگیری در عرصه دانش و حرفه از سوی دیگر، ضرورت تبیین ماهیت رویکردهای جدید را در گونه‌بندی‌های تئوری‌های طراحی شهری بیان می‌کند. در بین تمام مسائل موجود در مطالعات طراحی شهری فراتر از کالبد و کاربری‌های شهری، آنچه بیشترین تأثیر را بر ماهیت شهرها دارد، پرداختن به کیفیتی از زندگی شهری است که منبعث از شکل زندگی مردم و در پاسخگویی به خواسته‌ها و نیازهای ساکنین آن باشد.

این مقاله ضمن ارائه چارچوبی مفهومی جهت بررسی موضوع «کیفیت زندگی شهری» در گونه‌های مختلف تئوری‌های طراحی شهری، به تبیین ماهیت کیفیت زندگی شهری در این تئوری‌ها می‌پردازد تا از طریق آن بتوان به فهم عمیق‌تری نسبت به موضوعات اساسی در این حوزه پرداخت و به سطح و روش به کارگیری آن جامعیت بخشید و ابعاد مختلف این رویکرد از قبیل جهت‌گیری فلسفی و مبانی معرفتی را روشن ساخت. این مقاله از پنج بخش اصلی روش تحقیق، مفهوم تئوری و گونه‌بندی تئوری‌های طراحی شهری، مفهوم کیفیت زندگی، تبیین ماهیت رویکرد کیفیت زندگی در تئوری‌های طراحی شهری و بحث و نتیجه تشکیل شده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

## ۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای روند مطرح شده در منطق پیرس (Pierce, 1923)، تدوین شده است. براساس این منطق ذهن انسان به دو صورت عمل می‌کند:

### الف) تجزیه تحلیلی به صورت قیاسی و با جهت حرکت از کل به جزء

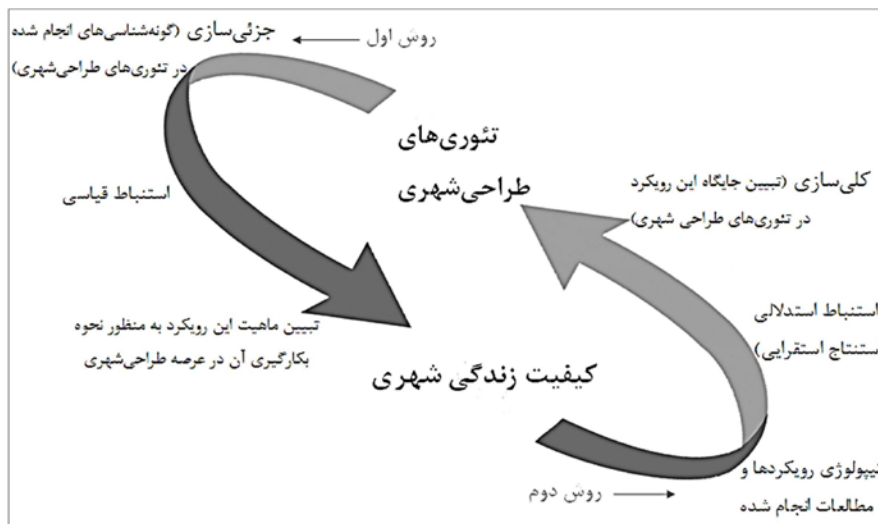
در این روش، مفروضات برگرفته از تئوری‌ها را در عمل در نمونه مورد مطالعه به آزمون می‌گذارند که با فرضیه‌ای مستخرج از تئوری آغاز شده و به سمت اجزاء آن حرکت می‌کند (Cherry, 1998, p. 50) که در نهایت تبدیل به یک نظریه می‌شود.

### ب) ترکیبی به صورت استقرایی و با جهت حرکت از جزء به کل

این رویکرد با روش‌های تحقیق کیفی همراه است و مطابق آن می‌توان از اجزاء به مجموعه کامل رسید (Cherry, 1998, p. 50). در این راستا پژوهش در ارتباط با موضوع کیفیت زندگی در تئوری‌های طراحی شهری می‌تواند به دو صورت انجام پذیرد:

- ۱- بررسی تئوری‌های طراحی شهری و گونه‌بندی آن‌ها در نسبت با رویکرد کیفیت زندگی شهری؛ و
  - ۲- استناد به گونه‌بندی‌هایی که پیش از این توسط نظریه‌پردازان حوزه طراحی شهری برای تئوری‌ها مطرح شده و بررسی ماهیت رویکرد کیفیت زندگی شهری در میان دسته‌بندی‌های ارائه شده.
- از آنجا که پرداختن به مسأله نخست مستلزم بررسی دقیق تئوری‌های موجود در حوزه طراحی شهری و گونه‌بندی آن‌ها با توجه به موضوع کیفیت زندگی بوده و این امر به زمان و تحقیقی فراتر از یک مقاله نیازمند است، لذا انجام پژوهش حاضر مطابق رویکرد دوم انجام شده است. مطابق مدل شکل (۱) رویه انجام پژوهش مبتنی بر بررسی گونه‌شناسی تئوری‌های طراحی شهری می‌باشد که با پذیرش گونه‌بندی‌های انجام شده، چارچوبی برای انجام پژوهش تدوین شده و براساس آن ماهیت این موضوع با توجه به پارامترهای مستخرج از چارچوب نظری تحقیق تبیین شده است.
- تدوین چارچوب نظری انجام پژوهش متکی بر مطالعات کتابخانه‌ای و منابع معتبر علمی در این زمینه بوده و نتایج مطالعه مبتنی بر روش تحلیلی و استنباط استقرایی با توجه به انطباق ویژگی‌های موضوع کیفیت زندگی شهری با ویژگی‌گونه‌های مختلف تئوری‌های طراحی شهری انجام گرفته است.

شکل ۱: مدل انجام پژوهش



## ۲. چارچوب نظری انجام پژوهش

در راستای دستیابی به ساختار نظری پژوهش، گونه‌بندی تئوری‌های موجود از ابعاد مختلف امری ضروری است. در این بخش ضمن بررسی مفهوم تئوری و ضرورت وجود آن در شهرسازی به معرفی اقدامات انجام گرفته در زمینه گونه‌شناسی تئوری‌های طراحی شهری پرداخته و در نهایت ساختاری برای انجام پژوهش معرفی می‌شود.

### ۲-۱- تئوری و ضرورت آن در مطالعات شهری

واژه «تئوری» از واژه یونانی «تئورس»<sup>۲</sup> به معنای «تماشاگر و ناظر» مشتق شده است (Johnson, 1994, p. 31). بنابراین، این واژه به معنای «نگاه اجمالی»<sup>۳</sup> به یک موضوع خاص است (Heath, 1994, p. 5). گری مور (Gary, 1991, pp. 1-2) تئوری را «مجموعه‌ای از مفاهیم<sup>۴</sup> مرتبط می‌داند که پدیده‌های قابل مشاهده را با ارجاع به مفاهیم غیرقابل مشاهده و انتزاعی‌تر تبیین می‌کند». (Grout, 2002, pp. 75-76) لذا تئوری‌ها مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با یکدیگر را درون خود جای داده و در راستای یک یا چند هدف از اهداف بالا جهت‌گیری شده است. به عبارتی تئوری یک «چارچوب مفهومی» است که بر حسب نوع هدف به وصف، تفسیر، پیش‌بینی و توصیه در قبال پدیده‌های خاص می‌پردازد (Golkar, 1999, p. 18).

نظریه‌پردازان دلایل مختلفی را برای ضرورت وجود تئوری در مطالعات شهری مطرح نموده‌اند. در این ارتباط فریدمن، سه دلیل اساسی نیاز به تئوری‌های شهری را پیش‌بینی<sup>۵</sup>، تجویزی<sup>۶</sup> و ارزیابی و قضاوت در اقدامات، مطرح می‌کند (Friedmann, 2003, p. 7). مانگ (mann, 2003, p. 7) لنگ به نقش تئوری در «کمک به فهم موقعیت‌های ظاهراً آشفته» و «صرفه‌جویی کردن در اندیشه و معرفت» اشاره دارد (Lang, 1987, p. 14) که این امر بالتبع موجب صرفه‌جویی زمان و هزینه می‌شود. از آنجایی که حوزه فعالیت طراحی شهری در سطح خرد مطالعات شهری قرار داشته و بیشتر با واقعیات زندگی مردم در ارتباط است لذا استفاده از تئوری‌های موجود در این زمینه در فهم شرایط موجود، پیش‌بینی، تجویز و قضاوت در مورد اقدامات ضرورت بیشتری داشته و این امر کمک شایانی به طراحان شهری در حوزه آکادمیک و حرفه‌ای می‌نماید.

### ۲-۲- گونه‌شناسی تئوری‌های طراحی شهری

واژه «گونه‌شناسی»<sup>۷</sup> به مطالعه و نظریه‌گونه‌ها و طبقه‌بندی سیستم‌ها استناد دارد. گونه‌شناسی به طبقه‌بندی و سازمان دادن ذهن کمک می‌کند. گونه‌شناسی روی تشابهات بین نمونه‌ها تأکید می‌کند. لذا در هر وضعیتی که با آن مواجه هستیم به دلیل وجود شباهت‌های تصنعی، گونه خاصی تلقی شده و سپس برای حل مسائل موجود از رویه‌های مشترک در آن طبقه استفاده می‌شود (Lang, 2005, pp. 62-63). در روش گونه‌شناسی تئوری‌های مختلف براساس یک چارچوب مفهومی معین طبقه‌بندی می‌شوند (Golkar, 1999, p. 17). به عبارت دیگر چارچوبی برای شناخت فراهم آورده و نقش مهمی در شناخت اثرات عقاید و تئوری‌های مختلف برنامه‌ریزی دارد.

یفتاشل (Yiftachel, 1989, p. 24) به پیروی از تایرکیان (Tiryakian, 1968) گونه‌شناسی را به عنوان یک ابزار تئوریک مؤثر تعریف نموده که سه اصل پایه‌ای دارد:

- تصحیح ابهامات و مفاهیم از دست رفته از طریق تقسیم‌بندی مفاهیم مرتبط؛  
 - سازماندهی دانش از طریق تعریف مشخص پارامترهای یک موضوع معین؛ و  
 - تسهیل ایجاد تئوری از طریق مشخص نمودن ویژگی اجزای اصلی به منظور پژوهش بیشتر (Almendinger, 2002, p. 87).

با توجه به موضوع پژوهش که بر تئوری‌های طراحی شهری تأکید دارد، تمرکز بر گونه‌شناسی‌های انجام شده در این حوزه خواهد بود. تا دهه ۱۹۸۰ گونه‌شناسی مطرح در مورد تئوری‌های شهرسازی، بر مبنای رویکردهای سیستمی و منطقی که تأکید بر رویه و محتوا دارند بوده که در این ارتباط فالودی تئوری‌ها را به دو شیوه «ماهوی» و «رویه‌ای»<sup>۸</sup> طبقه‌بندی نموده است (Faludi, 1973, pp. 7-29). بر اساس این طبقه‌بندی، لنگ (۱۹۸۷) چارچوب گونه‌شناسی تئوری‌های طراحی شهری را بر مبنای یک ماتریس ۲ در ۲ بر حسب «موضوع تئوری»<sup>۹</sup> و «جهت‌گیری فلسفی»<sup>۱۰</sup> سازمان داد (شکل ۲). در چارچوب مزبور، تئوری‌ها از نظر موضوع به دو گروه «محتوایی»<sup>۱۱</sup> و «رویه‌ای»<sup>۱۲</sup>، و از نظر «جهت‌گیری فلسفی» به دو گونه «اثباتی»<sup>۱۳</sup> و «هنجاری»<sup>۱۴</sup> تفکیک شده‌اند. طبق این چارچوب مفهومی گونه‌های مختلف تئوری به صورت ذیل توضیح داده شده‌اند:

شکل ۲: چارچوب گونه‌شناسی تئوری‌های طراحی شهری بر حسب موضوع و جهت‌گیری فلسفی

جهت‌گیری تئوری		موضوع تئوری
هنجاری	اثباتی	
		رویه‌ای
		ماهوی

(Lang, 1987, p. 22)

به پیروی از تقسیم‌بندی فوق، می‌توان در ارتباط با تقسیم‌بندی کلی تئوری‌های شهرسازی (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) از موضع، موضوع به سه دسته تئوری اشاره کرد که به شرح ذیل است:

- تئوری‌های رویه‌ای<sup>۱۵</sup>: این دسته تئوری‌ها روی چگونگی انجام برنامه‌ریزی و طراحی از دیدگاه‌های مختلف تأکید داشته که شروع آن‌ها از زمان شهرسازی مدرن بوده و در اواسط قرن گذشته اوج گرفته‌اند.

- تئوری‌های محتوایی<sup>۱۶</sup>: این دسته تئوری‌ها روی چستی موضوع مطالعات شهری تأکید دارند.

- تئوری‌های رویه‌ای و محتوایی<sup>۱۷</sup>: این دسته از تئوری‌ها، تئوری‌های مادر هستند که هم بر چگونگی انجام برنامه‌ریزی و هم بر ماهیت موضوعات شهرسازی متمرکز شده‌اند.

از سویی، مادان در یک مطالعه به تقسیم‌بندی تئوری‌های طراحی شهری بر مبنای جریان‌های مطالعاتی آن‌ها پرداخته و در این ارتباط به ۵ دسته تئوری طراحی شهری اشاره دارد (Moudon, 1992, pp. 332-336)، که به شرح ذیل است:

۱- تئوری‌های شکلی<sup>۱۸</sup>: این دسته از تئوری‌ها تا اواخر دهه ۱۹۶۰ مطرح بوده‌اند و شکل‌دهنده پایه‌های طراحی شهری بوده‌اند. تئوری‌های شکلی بر محوریت شکل قرار داشته و تأکید اصلی آن‌ها بر جنبه‌های بصری محیط قرار دارد. (اقدامات کالدر در ارتباط با منظر شهری (۱۹۶۱)، کامیلوسیتته (۱۸۸۹) و ریموند آنوین (۱۹۰۹)).

۲- تئوری‌های تصویری<sup>۱۹</sup>: در دهه ۱۹۶۰ به دنبال تأثیر مطالعات اجتماعی بر حوزه طراحی شهری، ابعاد اجتماعی و روانشناسی، تئوری‌هایی در طراحی شهری مطرح شدند که مبنای آن‌ها چگونگی تصور و ادراک مردم از محیط شهری است. (کتاب سیمای شهر لینچ (۱۹۶۰) و مطالعه جیمزگیسون (۱۹۶۶))

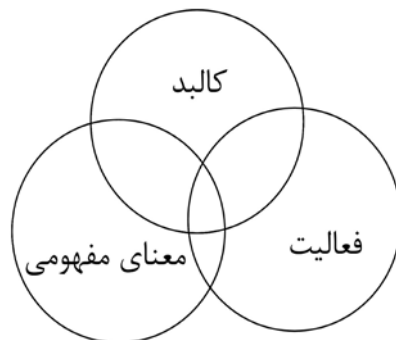
۳- تئوری‌های رفتار - محیط<sup>۲۰</sup>: در دهه ۱۹۶۰ علوم روانشناسی محیطی و اجتماعی در مطالعات شهرسازی به ویژه در حوزه طراحی شهری کاربرد زیادی پیدا کرد که می‌توان به مطالعات آموس راپاپورت (۱۹۹۰ و ۱۹۸۲ و ۱۹۷۷) مینی بر تأثیر ابعاد فرهنگی و شخصی افراد بر درک‌شان از جهان (Rapoport, 1977, pp. 38-40) و کوین لینچ در بررسی ابعاد انسانی محله‌ها و حوزه‌های شهری، دونالد اپلیارد (۱۹۸۱ و ۱۹۷۶) در مطالعات مربوط به خیابان‌های شهری، کریستوفر الکساندر (۱۹۸۷ و ۱۹۷۹ و ۱۹۷۷ و ۱۹۷۵) در زبان الگو، اسکارنیومن (۱۹۷۲) تئوری را در ارتباط با فضاهای غیرقابل دفاع، جین جیکوب (۱۹۶۱) در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی» و تئوری مکان دیوید کانتر که سه بعد فعالیت، ادراک و ویژگی‌های کالبدی را مطرح کرده (Canter, 1977, p. 158)، اشاره نمود.

۴- تئوری‌های مکان<sup>۲۱</sup>: این دسته تئوری‌ها نیز همانند تئوری‌های رفتار - محیط در قلمرو مطالعات روانشناسی در طراحی شهری قرار دارند که به دلایلی همچون توجه به جنبه‌های احساسی در کنار جنبه‌های ادراکی در ارتباطات مردم - محیط و متمایل به بررسی‌های اخلاقی در دسته‌ای جداگانه مطرح می‌شوند (Moudon, 1992, pp. 340-341). از صاحب‌نظران در این حوزه می‌توان به نوبرگ شولتز (۱۹۸۵-۱۹۸۰)، تائل<sup>۲۲</sup> (۱۹۸۶)، لینچ (۱۹۸۱ و ۱۹۷۲) و چارلز مور (۱۹۸۸) اشاره

کرد.

۵- تئوری‌های مرفولوژی - تیپولوژی<sup>۲۲</sup>: این دسته تئوری‌ها در ارتباط با بررسی و گونه‌بندی عناصر شهری می‌باشند که می‌توان به مطالعات انجام شده از سوی کریبر و آلدوروسی (۱۹۶۶) اشاره نمود (Bradbent, 1990, p. 196)<sup>۲۴</sup>.  
به دنبال دسته‌بندی‌های ارائه شده، جان لنگ (۱۹۸۷) به گونه‌بندی تفصیلی‌تری از تئوری‌های طراحی شهری از موضع محیط و رفتار پرداخته و به چهار دسته در قبال تئوری‌های رفتار - محیط اشاره دارد که شامل رویکرد اختیاری<sup>۲۵</sup>، رویکرد امکان‌گرا<sup>۲۶</sup>، رویکرد احتمال‌گرا<sup>۲۷</sup> و رویکرد جبری<sup>۲۸</sup> می‌باشد. تئوری‌هایی که مبتنی بر رویکرد اختیاری هستند بر این اصل قرار گرفته‌اند که محیط هیچ اثری بر رفتار انسان نداشته، تئوری‌های مبتنی بر رویکرد امکان‌گرایی، محیط را تأمین‌کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می‌دانند و تئوری‌های مبتنی بر جبرگرایی معتقدند که وقتی مردم آزادانه عمل می‌کنند، در واقع تحت کنترل محیط هستند و محیط تعیین‌کننده اصلی رفتار انسان است. تئوری‌های مبتنی بر رویکرد احتمال‌گرا، محیط را پر از قابلیت‌هایی برای رفتار انسان دانسته و ادراک محیط و استفاده از آن را وابسته به نیازها و شایستگی‌های فردی می‌دانند. این موضع به عدم قطعیت نظام وقوع رفتارهای انسان و محیط عمل طراحان معتقد است، ولی فرض می‌کند که اساس رفتار انسان متغییر نیست. از نظر این دیدگاه، خصوصیات کالبدی محیط، انتخاب برخی رفتارها را نسبت به برخی رفتارهای دیگر در همان محل محتمل‌الوقوع می‌سازد و این نقش در حد نقش یک کاتالیزور بوده و هرگز نقش جبری، تعیین‌کننده و یا مولد رفتاری را بازی نمی‌کند (Lang, 1987, p. 114).  
دیوید کنتنر<sup>۲۹</sup> با ارائه مدل مکان در سال ۱۹۷۷ زمینه‌ای دیگر را برای گونه‌بندی تئوری‌های طراحی شهری فراهم آورد. به موجب این مدل سه مؤلفه سازنده محیط شهری مطرح شد که عبارتند از کالبد، فعالیت، معنای مفهومی (شکل ۳). بر این اساس می‌توان به سه دسته تئوری اشاره نمود، دسته اول تئوری‌های تک‌مؤلفه‌ای هستند که صرفاً به کالبد توجه دارند، دسته دوم تئوری‌های دو مؤلفه‌ای که کالبد و فعالیت را مورد توجه قرار می‌دهند و دسته سوم تئوری‌های سه مؤلفه‌ای که محیط شهری را حاصل درهم‌کنش خصوصیات کالبدی، فعالیتی و تصورات می‌دانند (Canter, 1977, p. 158).

شکل ۳: مؤلفه‌های سازنده محیط شهری



(Canter, 1977, p. 158)

جفری برادبنت (۱۹۹۰) نیز با معرفی سه دسته تفکر طراحی شهری در طول تاریخ، زمینه‌ای را برای گونه‌بندی تئوری‌های از موضع پایه‌های معرفتی و تفکری فراهم می‌آورد که عبارتند از:

۱- تفکر خردگرایانه<sup>۳۰</sup>: عدم اعتبار کسب معرفت از طریق اتکاء به تجارب حسی و ترجیح بر طی مراحل منطقی، استدلال و استنتاج؛

۲- تفکر تجربه‌گرا<sup>۳۱</sup>: تفکر بر مبنای حواس انسانی و تجربه حواس فرد از محیط؛ و

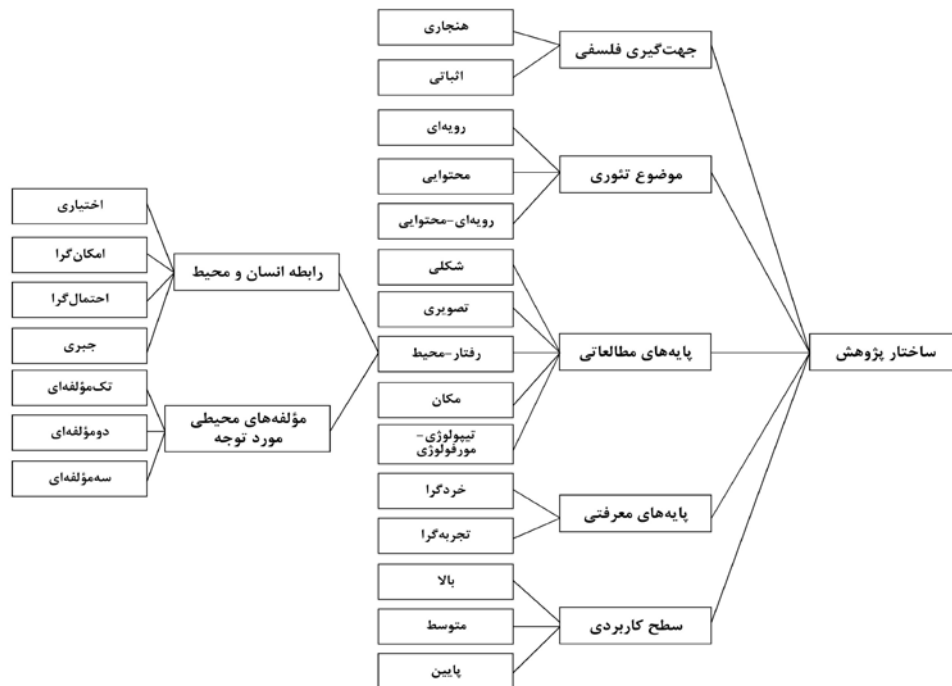
۳- تفکر عمل‌گرایانه<sup>۳۲</sup>: توجه بر سودمندی مواردی که در عمل به کار آیند.

البته برادبنت به نقل از ویلیام جیمز شیوه تفکر عمل‌گرایانه را اصلاح شده تفکر تجربه‌گرا دانسته و از این رو تنها به دو دسته تفکر تجربه‌گرا و خردگرا اشاره دارد (Brodent, 1990, pp. 84-85).

گروت (۲۰۰۲) بر مبنای رویکردی دیگر برای گونه‌بندی تئوری‌های معماری و طراحی شهری، به محدوده کاربردی آن‌ها اشاره دارد. تئوری‌های مبهم با دامنه وسیع در یک انتهای طیف تئوری‌ها قرار دارند. در انتهای دیگر طیف، تبیین موضعی و کوچک چیزها قرار دارد که واقعیت محدودی را شرح داده و کاربرد بیشتری ندارد. مور با تبعیت از مرتون<sup>۳۳</sup> تئوری‌های «دامنه متوسط» را پیشنهاد کرده که گستره آن‌ها نه بزرگ و نه کوچک است (Grout, 2002, p. 80).

ساختار انجام پژوهش حاضر با اقتباس از گونه‌شناسی‌های اشاره شده، تهیه شده و بر این اساس پارامترهایی را برای انجام پژوهش، انتخاب و به شرح شکل (۴) می‌باشد:

شکل ۴: ساختار انجام پژوهش، با اقتباس از منابع پژوهش



### ۳. رویکرد کیفیت زندگی شهری

رویکرد کیفیت زندگی یکی از موضوعات پژوهشی قابل تأمل در رشته‌هایی همچون علوم محیطی، اجتماعی، اقتصادی، روان‌شناسی، طراحی و برنامه‌ریزی شهری است (Sun, 2005, p. 9). سرآغاز انجام این مطالعات دهه ۱۹۳۰ می‌باشد که در این زمینه محققانی از رشته‌های مختلف تلاش‌هایی را در جهت تعریف، بررسی و اندازه‌گیری کیفیت زندگی از دیدگاه‌های مختلف داشته‌اند، به عنوان نمونه در سال ۱۹۳۳ ویلیام آگبرن<sup>۳۴</sup> یکی از جامعه‌شناسان شیکاگو مطالعاتی را در ارتباط با ابعاد اجتماعی این مقوله انجام داده است (Massam, 2002, p. 144).

با وجودی که انجام مطالعات کیفیت زندگی به دهه ۱۹۳۰ برمی‌گردد، شاید سرآغاز به کارگیری این رویکرد در مطالعات برنامه‌ریزی شهری را بتوان به دهه‌های آخر قرن بیستم (۱۹۸۰) به بعد ارجاع داد که به دنبال ناکامی‌های روش‌های علمی و انتقادات وارد بر آن، دیدگاه‌های برنامه‌ریزی از منظر صرفاً علم‌گرا و اقتصادی در جهت توجه به ابعاد انسانی و اجتماعی تغییر یافت و نظریه‌های برنامه‌ریزی شهری در قالب ابعاد کیفی و اجتماعی توسعه و با تأکید بر مفاهیمی چون کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی و غیره تغییر ماهیت دادند (Massam, 2002, p. 146) مطرح کرده‌اند.

به هر حال موضوع کیفیت زندگی اگرچه جذابیت و معنی عام دارد، فاقد یک تعریف پذیرفته شده است (Szalai & An-derews, 1980, p. 8). صاحب نظران و مؤسسات مختلف، تعاریف متفاوتی را در ارتباط با کیفیت زندگی ارائه کرده‌اند، برخی از آن‌ها عبارتند از:

- کلین (۲۰۰۱)، کیفیت زندگی را حداقل نیازها برای سنجش توانایی شهروندان برای دستیابی به خدمات سلامتی کافی، مسکن، مراقبت بچه‌ها، آموزش و امنیت عمومی دانسته است (Kline, 2001).

- یولنگین (۲۰۰۱)، کیفیت زندگی را موضوعی چندرشته‌ای و چندشاخه‌ای به عبارتی مفهومی چندبعدی دانسته است. (Ulengin et al., 2001).

- دین و سو<sup>۳۵</sup> (۱۹۹۷)، در تعریف کیفیت زندگی تنها به صورت رضایت از زندگی (Life Satisfaction) بسنده کرده‌اند (Kamp, 2003, p. 7).

- کاتر (۱۹۸۵) کیفیت زندگی را به عنوان رضایت شخصی یا رضایت از محیط و زندگی شامل نیازها و امیال و دیگر عواملی که تعیین‌کننده رفاه همه‌جانبه هستند، تعریف نموده است. به علاوه از این مفهوم به عنوان «منابع ضروری برای رضایت از نیازهای شخصی، خواسته‌ها و آمال، مشارکت در فعالیت‌هایی که موجب توسعه شخصی می‌شود و رضایت مقایسه‌ای میان خود و دیگران» از آن یاد شده است (Sin & Johnson, 1978 in Bowling, 1997).

- بولینگ (۱۹۹۷)، میان ابعاد بزرگ و کوچک کیفیت زندگی تمایز قائل شده است: عوامل بزرگ، تأثیرات اجتماعی از قبیل اشتغال، درآمد، مسکن و آموزش و عناصر ایجاد محیط را دربرگرفته‌اند در حالی که جنبه‌های کوچک کیفیت زندگی



شامل ارزش‌های شخصی و تجربیات همراه با ادراکات ذهنی همه‌جانبه از کیفیت زندگی است (Bowling, 1997). سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۳ مؤلفه‌های کیفیت زندگی را شامل ادراک انفرادی از موقعیت شخصی در زندگی، زمینه‌های فرهنگی و سیستم ارزشی در ارتباط با اهداف و انتظارات فرد و استانداردها دانسته است (WHO-QOL Group, 1993).

لذا با توجه به تعاریف فوق، کیفیت زندگی از یکسو می‌تواند به عنوان دلیلی برای جذابیت یک مکان و از سوی دیگر به عنوان درجه‌ای از مطلوبیت و انتظارات دریافت شده از سوی افراد باشد (Massam, 2002, p. 142). به عبارتی، درجه رضایتمندی از شرایط زندگی است که برآیند عوامل محیط بیرونی و ادراکات ذهنی متأثر از ارزش‌ها و تجربیات شخصی می‌باشد.

#### ۴. ماهیت رویکرد «کیفیت زندگی شهری» در تئوری‌های طراحی شهری

همان‌طور که اشاره شد انجام این پژوهش بر مبنای پارامترهایی مستخرج از مطالعات انجام گرفته در زمینه گونه‌شناسی تئوری‌های طراحی شهری خواهد بود. در ادامه به تبیین ماهیت کیفیت زندگی در میان تئوری‌های طراحی شهری از موضع جهت‌گیری فلسفی، موضوعیت، پایه‌های مطالعاتی، پایه‌های معرفتی و محدوده کاربردی خواهیم پرداخت.

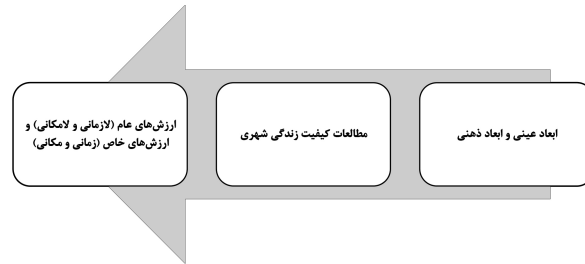
##### ۴-۱- جهت‌گیری فلسفی رویکرد «کیفیت زندگی شهری»

مضمون جهت‌گیری فلسفی یک تئوری هدف‌گایی تئوری مورد بررسی است. در این ارتباط دو دسته تئوری اثباتی و هنجاری وجود دارد که هر یک از آن‌ها فلسفه وجودی خاص خود را دارند. غایت تئوری اثباتی فراهم ساختن پایه‌های دانش و معرفتی است که از داده‌هایی مبری از ارزش داوری شکل گرفته و با «وصف»<sup>۳۶</sup>، «تفسیر»<sup>۳۷</sup>، و «پیش‌بینی»<sup>۳۸</sup> رویدادها در جهان سروکار دارد. در واقع، تئوری اثباتی از طریق امکان تفسیر ساختاردهی مفهومی به مشاهدات ما از رویدادها نظم بخشیده و از آن طریق امکان تفسیرشان را فراهم می‌آورد (Lang, 1987, pp. 15-16) و در حوزه طراحی شهری می‌توان تئوری‌هایی که به موجب علوم رفتاری وارد این حوزه شده‌اند و به توصیف و تبیین پدیده‌ها می‌پردازند را در این دسته تئوری‌ها قرار داد (Bahrayni, 2009, p. 243). به عنوان نمونه تئوری را که لینچ در ارتباط با سیمای شهر مطرح کرده در دسته تئوری‌های اثباتی است. تئوری‌های هنجاری ضمن ابتناء بر فهم سازوکار جهان، کانون اصلی توجه‌شان بر تمیز خوب از بد، درست از غلط و مطلوب از نامطلوب قرار دارد (Lang, 2005, pp. 17-18). تئوری‌های هنجاری اساساً بر مبنای ایدئولوژی و جهان‌بینی خاص تعریف شده‌اند هر چند که آن را به طور صریح بیان نکنند (Re-zazadeh, 2005, p. 40) در ارتباط با تئوری‌های هنجاری در حوزه مطالعات طراحی شهری می‌توان به تئوری شکل شهر از لینچ که معیارهای ارزشی را در این زمینه به کار برده است، اشاره کرد.

مشخص نمودن جهت‌گیری فلسفی کیفیت زندگی در دسته‌بندی تئوری اثباتی و هنجاری مستلزم تبیین مفهوم و ابعاد این رویکرد می‌باشد. در ارتباط با این مفهوم از واژه‌های گسترده‌ای همچون یک زندگی خوب<sup>۳۹</sup>، ارزشمند<sup>۴۰</sup>، رضایتمند<sup>۴۱</sup> و شاد<sup>۴۲</sup> استفاده شده است. به عبارت دیگر کیفیت زندگی به مؤلفه‌های کامیابی یا رضایت‌مندی بیشتر یا کمتر در زندگی مردم مربوط می‌شود (Szalai & Anderews, 1980, p. 8). رامنی، براون و فرای (۱۹۹۴) در ارتباط با این مقوله معتقدند که مفهوم کیفیت زندگی، فهمیدن رشد و فرآیندهای توسعه‌ای، میانگین امید به زندگی افراد در جوامعشان و گستره‌ای که این فرآیندهای روانشناختی تحت تأثیر عوامل محیطی و نظام‌های ارزش (گذاری) انفرادی هستند را در بر دارد؛ لذا فرآیندهای درونی و ذهنی وابسته به تجارب زندگی می‌توانند از طریق فیلترها (و دیدگاه‌ها) و بیان‌های مختلف توضیح داده و تفسیر شوند. از آنجایی که کیفیت زندگی از یکسو به عنوان دلیلی برای جذابیت یک مکان و از سوی دیگر به عنوان درجه‌ای از مطلوبیت و انتظارات دریافت شده از سوی افراد می‌باشد، (Massam, 2002, pp. 142-149) ضرورت توجه به دو جنبه عینی و ذهنی در کیفیت زندگی امری لازم و ضروری است (Evcil, 2001, pp. 165-166).

بنابراین غایت مطالعات انجام شده با رویکرد کیفیت زندگی، شناخت و تفسیر آن به موجب عوامل عینی و ذهنی از وضعیت موجود بوده و اگرچه شرایط ذهنی نقش بیشتر و متفاوتی را به لحاظ شرایط زمانی و مکانی در این ارتباط داشته<sup>۴۳</sup>، ولی با این وجود بر دستیابی به ارزش‌هایی عام (بی‌زمان و بی‌مکان) همچون امنیت، رفاه و سلامتی تأکید دارد. لذا این رویکرد از یکسو به موجب فراهم ساختن پایه‌های معرفتی و بستر تفسیر در دسته تئوری‌های اثباتی قرار گرفته و از سوی دیگر با ارائه ارزش‌هایی برای آینده مطلوب در شرایط عام و خاص (مکانی و زمانی) در دسته تئوری‌های هنجاری جای می‌گیرد (شکل ۵).

شکل ۵: ماهیت اثباتی و هنجاری رویکرد کیفیت زندگی شهری.



## ۲-۴- موضوع رویکرد «کیفیت زندگی شهری»

در تقسیم‌بندی تئوری‌های شهری از موضوع موضوع، دو دسته تئوری محتوایی و رویه‌ای وجود دارد. تئوری‌های محتوایی به تفسیر فرآیندهای شهری پرداخته (Heath, 1994, p. 5) و ماهیت پدیده‌هایی که شهرسازی با آن‌ها در ارتباط است را در نظر دارد در حالیکه تئوری‌های رویه‌ای به وصف و توضیح فرآیندهای شهرسازی اشاره دارد و تکنیک‌هایی را مرتبط با «تجزیه»، «ترکیب»، «پیش‌بینی» و «ارزیابی» ارائه می‌دهند (Lang, 1987, pp. 15-16).<sup>۴۴</sup> تبیین ماهیت تئوری‌ها از این موضع، می‌تواند در به کارگیری مناسب تئوری در عمل و حرفه مورد توجه باشد. به عنوان نمونه در تئوری‌های موجود در حوزه طراحی شهری برخی با رویه طراحی شهری در ارتباط هستند و مکانیزم مناسب برای طراحی را تبیین می‌کنند که در این مورد می‌توان به تئوری انتقادی اشاره نمود، برخی از تئوری‌ها مثل تئوری پدیدارشناسی با ماهیت و محتوای موضوعات مورد عمل طراحی شهری در ارتباط هستند و دسته دیگر همچون تئوری پایداری همزمان به رویه و محتوای طراحی توجه دارند.

تبیین ماهیت رویکرد کیفیت زندگی در میان تئوری‌های شهری از موضع موضوع، مستلزم پرداختن به رویکردها و مدل‌های مرتبط خواهد بود. رویکردهای مختلفی در ارتباط با این مقوله وجود دارند که می‌توان به «رویکرد مقایسه حیات‌پذیری»<sup>۴۵</sup>، «رویکرد رفاه شخصی»<sup>۴۶</sup>، «رویکرد روندهای اجتماعی»<sup>۴۷</sup>، «رویکرد تفاوت‌های درآمدی»<sup>۴۸</sup> یا «رویکرد بازار - سکونت»<sup>۴۹</sup> اشاره کرد (شکل ۶). برخی از این رویکردها بر مبنای اصول اقتصادی، برخی دیگر بر مبنای علوم اجتماعی قرار دارند. تصمیم‌سازان شهری که پیرو هدف ارتباطات اجتماعی هستند از رویکرد رفاه شخصی حمایت می‌کنند. اقتصاددانان و گروه‌های طرفدار توسعه اقتصادی از رویکرد تفاوت‌های درآمدی و رویکرد مقایسه حیات‌پذیری جانب داری کرده و آن‌هایی که امید به ارتقاء کیفیت زندگی جامعه دارند از رویکرد روندهای اجتماعی استفاده می‌کنند. مایر رویکردهای پیشنهادی در سنجش کیفیت زندگی را به شرح زیر مطرح می‌کند:

شکل ۶: رویکردهای مرتبط به مقوله کیفیت زندگی

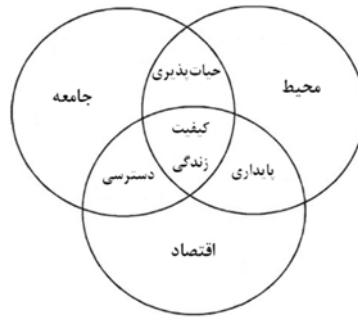
رویکردها				جهت‌گیری‌ها
روندهای اجتماعی	رفاه شخصی	تفاوت‌های درآمدی	مقایسه‌های حیات‌پذیری	
رویکرد پیشنهادی برای برنامه‌ریزان	روانشناسان، جامعه‌شناسان	اقتصاددانان	ژودنالیست‌ها، جغرافیدانان و غیره	مبدأ رویکرد حرفه‌ای
کدام فاکتورها بهتر یا بدتر شده‌اند - تأکید بر آینده و اولویت‌های شهروندان	ویژگی‌های شخصی و زندگی خصوصی	به کدام مکان‌ها باید درآمد بیشتری پرداخت شود	کدام مکان‌ها بهتر یا بدتر هستند	توجهات جهت‌گیری شده

(Myers, 1988, p. 353)

در پی رویکردهای مختلف به کیفیت زندگی، نظریه‌پردازان از دیدگاه‌های خاص خود به ارائه مدل‌هایی در تبیین این مقوله پرداخته‌اند. به عنوان مثال شافر (۲۰۰۰) مدلی را به منظور به تصویر کشیدن ارتباط میان مفاهیم حیات‌پذیری، کیفیت زندگی و پایداری ارائه داده است.



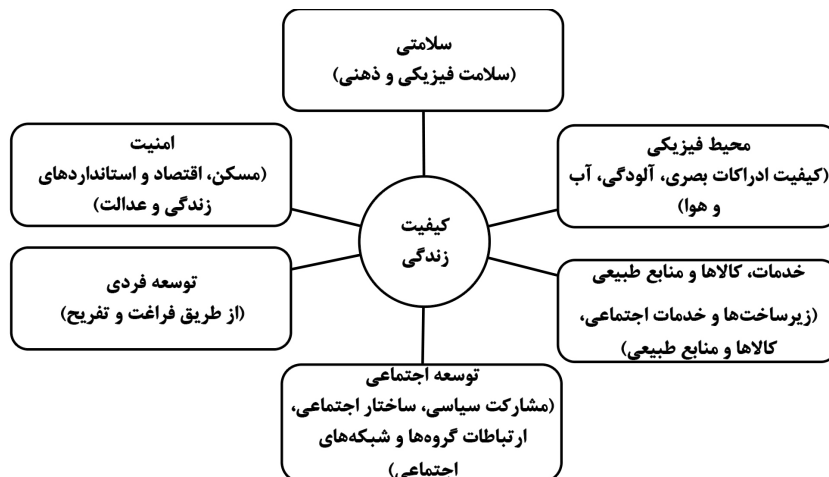
شکل ۷: یک مدل مفهومی در ارتباط با عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی از دیدگاه اکولوژی انسانی



(Shafer et al., 2000)

در مواردی نظریه‌پردازان به جنبه‌های سلامتی در کیفیت زندگی پرداخته‌اند. به عنوان نمونه در مدل بلام<sup>۵۰</sup> (۱۹۷۴) سلامتی به عنوان نتیجه عوامل ژنتیکی (ذاتی)، ماهیت کیفیت سلامتی، شیوه زندگی و رفتار و کیفیت محیط اجتماعی - فرهنگی و فیزیکی مطرح شده است در جایی دیگر در مدل شماتیک مطرح شده از سوی RIVM (۲۰۰۰) سلامتی و حیات‌پذیری به عنوان دو بعد متمایز کیفیت زندگی مطرح شده‌اند. میشل<sup>۵۱</sup> (۲۰۰۱) در بررسی کیفیت زندگی به اجزاء مختلفی همچون سلامتی، محیط فیزیکی، منابع طبیعی، توسعه و امنیت شخصی اشاره دارد (شکل ۸).

شکل ۸: اجزای کیفیت زندگی



(Mitchell et al., 2000)

تمامی رویکردها و مدل‌های ارائه شده فوق، نشان از ماهوی بودن مقوله کیفیت زندگی داشته که در بطن خود به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سلامت، کالبدی و غیره در شهر می‌پردازد. برخی از این رویکردها به فرآیند برنامه‌ریزی اشاره داشته که در این ارتباط می‌توان به شیوه روند اجتماعی<sup>۵۲</sup> چارچوب ارائه شده از سوی کابوس اشاره کرد. مایر در سال ۱۹۸۷، شیوه روند اجتماعی را برای بررسی کیفیت زندگی ارائه داده است که شامل مراحل ذیل است:

- آشنایی با مفهوم کیفیت زندگی از طریق بررسی ادبیات نظری موضوع؛
  - بررسی دیدگاه‌های مسئولان اصلی محلی برای بررسی عوامل با اهمیت در کیفیت زندگی؛
  - جمع‌آوری اطلاعات شاخص‌های عینی ابعاد مختلف کیفیت زندگی؛
  - بررسی نظرات شهروندان در مورد کیفیت زندگی؛
  - بررسی نتایج مطالعات در بحث‌های اجتماعی (Myers, 1988, p. 350).
- در پژوهشی دیگر کابوس در سال ۲۰۰۵ یک چارچوب عملی را برای بررسی کیفیت زندگی مطرح نموده است که در مرحله به شرح شکل ۹ سازماندهی شده است.

### شکل ۹: چارچوبی برای بررسی کیفیت زندگی



(Kobus, 2005)

فاهی و سینده<sup>۵۳</sup> (۲۰۰۸) در پژوهش خود، چارچوب ارائه شده از سوی کابوس را در جهت دستیابی به کیفیت زندگی مبتنی بر هویت اجتماع محلی و توسعه پایدار توسعه داده و مراحل ذیل را مطرح نمودند:

- ۱- تعریف حوزه پارامترهای نمونه‌مورد مطالعه (اهداف، ناحیه مطالعه، فرآیند بررسی مشارکت، اندازه نمونه)
- ۲- مشخص نمودن پیچیدگی و ابهامات مفهوم کیفیت زندگی
- ۳- مشخص نمودن شاخص‌ها
- ۴- گروه‌بندی و رتبه‌بندی شاخص‌ها و مقایسه آن‌ها
- ۵- مشخص نمودن خلأهای اطلاعاتی
- ۶- جمع‌آوری اطلاعات
- ۷- تحلیل اطلاعات و بنانهادن پایه‌ای برای سنجش کیفیت زندگی هماهنگ با اصول توسعه پایدار
- ۸- ارتباطات یافته‌ها (Fahy & Cinnéide, 2008, pp. 371-372).

لذا می‌توان اذعان داشت که رویکرد کیفیت زندگی در گروه تئوری‌های رویه‌ای - محتوایی قرار می‌گیرد؛ زیرا علاوه بر توجه به ابعاد ماهیتی شهر به رویه‌هایی جهت دستیابی به غایت ارتقاء کیفیت زندگی نیز اشاره دارد.

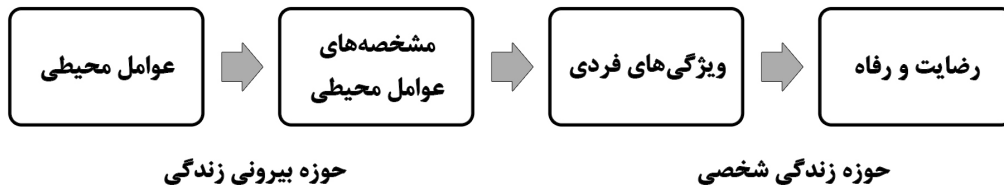
#### ۳-۴- پایه‌های مطالعاتی رویکرد «کیفیت زندگی شهری»

با توجه به مباحث مطرح شده در بخش ۳-۲ و گونه‌شناسی تئوری‌های طراحی شهری برمبنای پایه‌های مطالعاتی، پنج دسته تئوری طراحی شهری شکلی، تصویری، رفتار - محیط، مکان و تیپولوژی - مورفولوژی وجود دارد. با توجه به ویژگی تئوری‌های فوق که پیش تر به آن اشاره شد، رویکرد کیفیت زندگی شهری به موجب توجه به جنبه‌های عینی (کالبدی) و ذهنی (ادراکی و نظام ارزشی ساکنین) در دسته تئوری‌های رفتار - محیط قرار می‌گیرد؛ لذا در ادامه به بررسی ماهوی آن از دو بعد رابطه انسان - محیط و مؤلفه‌های مکانی آن که از ابعاد اصلی قابل بررسی در تئوری‌های رفتار - محیط هستند، خواهیم پرداخت.

#### ۱-۳-۴- رابطه انسان و محیط

از موضع چگونگی ارتباط و تأثیر و تأثر انسان و محیط چهار دسته تئوری جبرگرا، احتمال‌گرا، امکان‌گرا و اختیاری وجود دارد. در ارتباط با ماهیت رویکرد کیفیت زندگی در این گونه‌بندی، کامپل با اشاره به نتایج مطالعه‌اش در «رضایت، ادراک و ارزیابی کیفیت زندگی آمریکایی» ادعا می‌کند که محیط عینی از طریق شرایط موجود، ویژگی‌های افراد و تجارب گذشته آنها ادراک می‌شود؛ لذا سنجش عینی ویژگی‌های محیطی در بررسی کیفیت زندگی ناکافی است (Campbell, 1976). در این ارتباط راجرسون کیفیت زندگی را ترکیب ویژگی‌های زندگی شخصی و محیطی دانسته و برای این مفهوم شکل (۱۰) را مطرح می‌کند.

شکل ۱۰: یک دید مفهومی به کیفیت زندگی



(Rogerson, 1997)

به عبارت دیگر رویکرد کیفیت زندگی رویکرد عینی به کارگرفته شده در رشته‌هایی همچون روانشناسی (Mui, 1998)، علوم پزشکی (Dempster & Donnelly, 2000) و علوم اجتماعی (Campbell, 1981- Wood & Johnson, 1989) را تغییر داده و در جستجو برای توصیف عوامل مؤثر بر رضایت و خشنودی افراد است که از این طریق بتواند به پاسخ‌های ذهنی شرکت‌کنندگان دست یابد (Massam, 2002, p.179).

محققین دیگری همچون McCall (۱۹۷۵)، Myers (۱۹۸۷)، Davidson & Cotter (۱۹۹۱)، O'Brien & Ayidya (۱۹۹۱)، Crayson & Young (۱۹۹۴)، Diener & Suh (۱۹۹۷)، Turksever & Atalik (۲۰۰۱) در بررسی ادبیات کیفیت زندگی بر دو بعد محیطی و روانشناسی کیفیت زندگی توافق داشته و Crayson & Young (۱۹۹۴) معتقدند که کیفیت زندگی از یک سو مرتبط با مکانیزم روانشناسی درونی و ایجاد یک حس رضایت از زندگی بوده (کیفیت زندگی شخصی، رفاه ذهنی یا رضایت از زندگی) و از سوی دیگر مرتبط با شرایط بیرونی (کیفیت زندگی شهری، جامعه، مکان و محیط) که فراتر از یک مکانیزم درونی است، ارتباط دارند (Massam, 2002, p. 145).

بنابراین رویکرد کیفیت زندگی در طبقه‌بندی در رده تئوری‌های احتمال‌گرای محیطی قرار می‌گیرد؛ چراکه به هر دو بعد محیطی و انسانی توجه داشته، به عبارتی دیگر نه توجه صرف به بعد کالبدی و نه بعد ذهنی دارد، بلکه هر دو را در نظر دارد و سعی دارد با تغییرات کالبدی و مبتنی بر ادراکات ذهنی ساکنین به ارتقاء آن در شهر بپردازد.

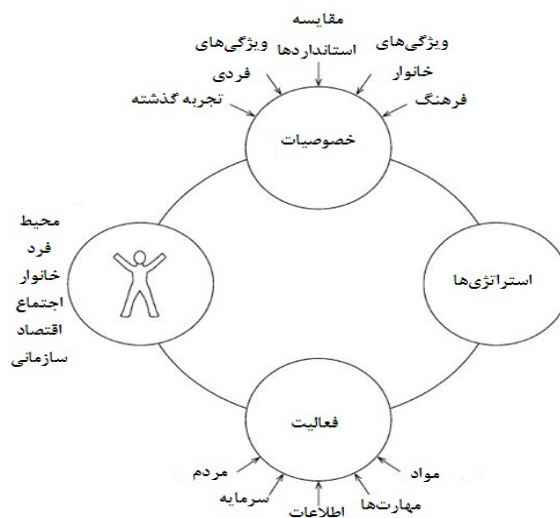
## ۲-۳-۴- مؤلفه‌های محیطی مورد توجه

یکی از چارچوب‌های مفهومی جهت گونه‌شناسی تئوری‌های شهری بر پایه «مؤلفه‌های سازنده محیط شهری» است که در این ارتباط سه دسته تئوری تک‌مؤلفه‌ای، دو مؤلفه‌ای و سه مؤلفه‌ای وجود دارد.

بران (۱۹۹۸) با ارائه یک مدل برای کیفیت زندگی از دیدگاه ارتباط شخص و محیط، به تبیین عوامل قابل توجه در کیفیت زندگی که در چهار عامل فعالیت، انسان، ویژگی‌های وی و استراتژی‌های برنامه‌ریزی قابلیت دسته‌بندی شدن دارند، اشاره می‌کند.

لذا ماهیت رویکرد کیفیت زندگی در این دسته‌بندی در گروه تئوری‌های سه مؤلفه‌ای قرار می‌گیرد که به هر سه بعد کالبد، فعالیت و تصور ذهنی در درک کیفیت زندگی توجه دارد.

شکل ۱۱: مدل دیدگاه شخص - محیط به کیفیت زندگی



(Brown, 1998)

#### ۴-۴- مبانی معرفتی

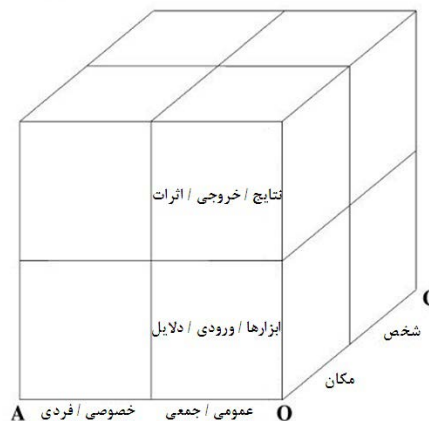
در تبیین پایه‌های معرفتی یک تئوری باید به این مقوله پرداخته شود که تئوری مربوطه بر پایه خردگرایی یا تجربه‌گرایی بنا نهاده شده است. تئوری‌هایی که مبنای خردگرایی دارند، عمدتاً از دستگاه فلسفی افلاطونی و سپس از دستگاه فلسفه دکارتی اقتباس شده‌اند (Broadbent, 1990, pp. 74-84).<sup>۴۴</sup> در زمینه شهرسازی خردگرا، اگرچه شهرسازان تحت تأثیر مسایل اجتماعی جوامع اروپایی، به نوعی دغدغه ارتقاء کیفیت زندگی مردم را در طرح‌هایشان داشته‌اند، اما در واقع ملاک آن‌ها از مردم و زندگی مردم تصویر ذهنی معماران بوده و نه زندگی آن مردمی که واقعا با آن طرح‌ها سرو کار دارند. به عبارت دیگر خردگرایان با «مردم و هندسه تجریدی» سروکار دارند و ایده‌هایشان مادامی که مدل‌های تجریدی ایشان، با مردمی که واقعا طرح برایشان تهیه شده مترادف باشد، اعتبار دارد (Lang, 1994, p. 6). در حالی که تئوری‌های بر مبنای پایه‌های معرفتی تجربه‌گرایانه شهرسازی ریشه در تفکرات ارسطو و پس از وی در اندیشه‌های فرانسیس بیکن و جان لاک دارد (Broadbent, 1990, p. 80). از منظر تجربه‌گرایان شهر پدیده‌ای است که عملاً توسط مردم مورد استفاده، تجربه و ارزیابی می‌شود. لذا لاجرم ارتباط تنگاتنگی با علوم رفتاری داشته و در این گونه از تئوری‌ها، نظریه‌پردازان از رویکردهای رشته‌های علوم رفتاری نظیر روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و غیره جهت واکنش به «واقعیت شهری» استفاده می‌کنند.

از آنجایی که رویکرد کیفیت زندگی به موجب توجه به ابعاد اجتماعی و کیفی در برنامه‌ریزی شهری وارد شده است، و بر مبنای آن اقدامات برنامه‌ریزی باید از طریق به کارگیری همزمان ابعاد عینی و ذهنی که برگرفته از نظر ساکنین است، انجام گیرد. در این ارتباط دی‌سارت و دلر استدلال می‌کنند که «کیفیت زندگی یک فرد به حقایق بیرونی و عینی زندگی‌اش و ادراک درونی و ذهنی که وی از این عوامل و خویشتن دارد، وابسته است» (Dissart & Deller, 2000). در جایی دیگر سزالایی (۱۹۸۰)، کیفیت زندگی را به عنوان درجه و میزان رضایت از زندگی دانسته که از یکسو با عوامل عینی و ازسوی دیگر با عوامل ذهنی تعریف می‌شود (Szalai, 1980). لذا کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی و دریافت‌ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و (نیز) از خودش وابسته است.

به طور کلی در سنجش کیفیت زندگی شهری دو دسته شاخص مطرح هستند، دسته اول شاخص‌های عینی (Objective Indicators) که اشاره به جنبه‌های عینی و قابل لمس زندگی شهری داشته و دسته دوم شاخص‌های ذهنی (Subjective Indicators) که سعی در سنجش میزان رضایت‌مندی و رفاه شهروندان از جنبه‌های مختلف شهری کمی و قابل اندازه‌گیری دارند.

در این ارتباط ماسام<sup>۴۵</sup> (۲۰۰۲) ابعاد مختلف کیفیت زندگی را در نموداری مطابق شکل (۱۲) مطرح می‌کند که به موجب آن شخص و اجتماع از جایگاه ویژه‌ای در مقوله کیفیت زندگی قرار دارند. در این ارتباط مایر (۱۹۸۸) به لزوم بررسی نظر شهروندان در مورد کیفیت زندگی‌شان از طریق ایجاد دانش مذاکره‌ای امکان‌پذیر است را ضروری دانسته است (Myers, 1988, pp. 350-352).

شکل ۱۲: ابعاد مختلف کیفیت زندگی



(Massam, 2002, p. 157)

با توجه به موارد فوق، ساکنین شهری نقش قابل توجهی را در رویکرد کیفیت زندگی داشته و بررسی این مقوله در شهر باید براساس ابعاد عینی و ذهنی بوده، لذا در تقسیم‌بندی تئوری‌های شهری به دو گونه خردگرا و تجربه‌گرا جایگاه این رویکرد به تئوری‌های تجربه‌گرا نزدیک‌تر است.

## ۴-۵- سطح کاربردی

یکی از معیارهای دسته‌بندی تئوری‌های طراحی شهری بر مبنای سطح و مقیاسی است که این تئوری به منظور آن تهیه شده است که در این ارتباط طیفی از تئوری‌های با سطح کاربردی بالا، متوسط و پایین وجود دارد. در مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در موضوع کیفیت زندگی، این رویکرد در سطوح مختلف جغرافیایی علی‌رغم تفاوت مفهوم در سطوح مختلف به کارگرفته شده است.

سرژی (۲۰۰۰) در یک تقسیم‌بندی از مطالعات موجود در حوزه کیفیت زندگی دو بعد سطح جغرافیایی و نوع شاخص را مطرح کرده است (شکل ۱۳):

- سنجش و کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی (از سطح جهانی، ایالتی و جامعه تا سطح خانواده و فرد)
- سنجش کیفیت زندگی از طریق شاخص‌های عینی و ذهنی (Sirgy, 2000, p. 281).

شکل ۱۳: مقیاس‌های سنجش کیفیت زندگی

	فرد	خانواده	جامعه	ایالت	جهان
شاخص‌های عینی					
شاخص‌های ذهنی					

اقتباس از (Sirgy, 2000, p. 281)

مک‌کریا (McCrea)، ضمن تبیین موضوع کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی به تفاوت در سطوح مختلف پرداخته و به عنوان مثال، کیفیت زندگی در سطح منطقه‌ای را حاصل ارزیابی خدمات منطقه‌ای (از قبیل سلامتی و آموزش) و هزینه زندگی می‌داند درحالی‌که رضایت محلی به موجب ارزیابی ارتباطات اجتماعی، جرم محلی و تسهیلات عمومی (پارک‌ها و کتابخانه‌ها) و رضایت از مسکن از طریق قدمت مسکن و نظر مالک خانه بررسی می‌شود (McCrea, 2006, pp. 79-96).

در مطالعه‌ای دیگر مارانز و کوپر (Marans and Couper, 2000) مدلی را ارائه داده‌اند که به تمایز واضح مفهوم کیفیت زندگی در سطوح مختلف مسکن، محله، شهر و اجتماع اشاره دارد. با این فرض رویکرد کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی مطرح شده و با توجه به سطح دارای مفاهیم و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده متفاوت خواهد بود. بنابراین رویکرد کیفیت زندگی در میان تئوری‌های طراحی شهری بر مبنای سطح و مقیاس به کارگیری، در دسته تئوری‌هایی قرار دارد که در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی از مقیاس فراشهری تا واحد همسایگی قابلیت به کارگیری را دارد؛ اگرچه شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و مفهوم آن در مقیاس‌های مختلف متفاوت است.

## ۵. بحث و نتیجه

به عنوان یک دستاورد مورد انتظار از این پژوهش چنین به نظر می‌رسد که برخورد مناسب با رویکرد کیفیت زندگی در مطالعات شهری چه در سطح جهت‌گیری فلسفی، پایه‌های مطالعاتی و معرفتی و چه در سطح کاربردی و اجرایی بدون در نظر گرفتن ملاحظات مربوطه کارساز نخواهد بود. لذا با تبیین ابعاد مختلف این اندیشه زمینه مناسب را برای برخورد و به کارگیری و نقد تجربیات گذشته و ترسیم آینده پیش‌رو در طراحی شهری فراهم می‌آورد. براساس پژوهش انجام شده ماهیت رویکرد کیفیت زندگی را در ابعاد مختلف به صورت زیر می‌توان تبیین کرد:

شکل ۱۴: ماهیت رویکرد کیفیت زندگی شهری در میان تئوری‌های طراحی شهری



- مطالعات مبتنی بر رویکرد کیفیت زندگی می‌بایست به شناخت و تفسیر عوامل عینی و ذهنی از وضعیت موجود بپردازند و اگرچه شرایط ذهنی نقش بیشتر و متفاوتی را به لحاظ شرایط زمانی و مکانی در این ارتباط داشته، ولی با این وجود بر دستیابی به ارزش‌هایی عام (بی‌زمان و بی‌مکان) همچون امنیت، رفاه و سلامتی تأکید دارد. لذا این رویکرد از یکسو به موجب فراهم ساختن پایه‌های معرفتی و بستر تفسیر در دسته تئوری‌های اثباتی قرار گرفته و از سوی دیگر با ارائه ارزش‌هایی برای آینده مطلوب در شرایط عام و خاص (مکانی و زمانی) در دسته تئوری‌های هنجاری جای می‌گیرد.

- رویکرد کیفیت زندگی ضمن شناخت و تفسیر وضعیت موجود ابعاد ماهیتی شهر از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی در ابعاد عینی و ذهنی به ارائه فرآیندهایی برای برنامه‌ریزی و طراحی در جهت ارتقاء ارزش‌های زندگی شهری اشاره دارد، لذا در گروه تئوری‌های رویه‌ای - محتوایی قرار می‌گیرد.

- رویکرد کیفیت زندگی به هر دو بعد محیطی و انسانی توجه داشته و سعی دارد با تغییرات کالبدی مبتنی بر ادراکات ذهنی ساکنین به ارتقاء آن در شهر بپردازد، لذا در رده تئوری‌های احتمال‌گرایی محیطی قرار می‌گیرد.

- ماهیت رویکرد کیفیت زندگی در دسته‌بندی تئوری‌های سه مؤلفه‌ای قرار می‌گیرد و با توجه به سه بعد کالبد، فعالیت و تصور ذهنی در تلاش برای ارائه طرحی هر چه اجرایی‌تر می‌باشد.

- ساکنین شهری نقش قابل توجهی را در مطالعات مبتنی بر رویکرد کیفیت زندگی داشته که این امر از طریق ایجاد دانش مذاکره‌ای امکان‌پذیر است، لذا در تقسیم‌بندی تئوری‌های شهری به دو گونه خردگرا و تجربه‌گرا جایگاه این رویکرد به تئوری‌های تجربه‌گرا نزدیک‌تر است.

- رویکرد کیفیت زندگی در میان تئوری‌های طراحی شهری بر مبنای سطح و مقیاس به کارگیری، در دسته تئوری‌هایی قرار دارد که در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی از مقیاس فراشهری تا واحدهم‌سایگی قابلیت به کارگیری را دارد؛ اگرچه شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و مفهوم آن در مقیاس‌های مختلف متفاوت است.

## پی‌نوشت

1. Conceptual Framework
2. Theoros
3. Overview
4. Concepts
5. Predictive
6. Prescriptive
7. Typology
8. Substantive/Procedural
9. Subject matter
10. Philosophical Orientation
11. Substantive
12. Procedural
13. Positive
14. Normative



15. Procedure of Theory
16. Substantive Theories
17. Procedure-substantive Theories
18. Picturesque Studies
19. Image Studies
20. Environment-behavior
21. Place
22. Thich
23. Typology-morphology

۲۴. در ادامه جریان‌های مطالعاتی طراحی شهری فوق می‌توان به تئوری‌های جدیدتری همچون تئوری‌های اکولوژیکی، پدیدارشناسی، مشارکتی و همکارانه، انتقادی، تئوری‌های عمل‌گرایانه و ارتباطی اشاره نمود که ویژگی اصلی این دسته از تئوری‌ها رویه‌ای و محتوایی بودن توأم‌شان است. گرچه تفاوت‌های بارزی در این زمینه بین آن‌ها وجود دارد که به بحث گونه‌بندی تئوری‌ها از موضع رویه و محتوای به طور مفصل در بخش‌های دیگر مقاله اشاره شده است.

25. Free-will Approach
26. Possibilistic Approach
27. Probabilistic Approach
28. Deterministic Approach
29. David Canter
30. Rationalism
31. Empirical
32. Pragmatism
33. Merton
34. William Ogburn
35. Dienn & Suh
36. Description
37. Explanation
38. Prediction
39. Good Life
40. Valued Life
41. Satisfying Life
42. Happy Life

۴۳. به عنوان نمونه کامینز (۱۹۹۹) در این ارتباط هفت عامل با اهمیت رفاه، سلامتی، کارآیی، محرمیت، امنیت، جمعیت و رفاه احساسی را مطرح می‌نماید و در جایی دیگر مس‌ماهون و پروپست (۱۹۹۷)، کیفیت زندگی را شامل نکات مثبت غیراقتصادی مانند هوای پاک، خیابان‌های ایمن، رویدادهای فرهنگی، مناظر زیبا، فرصت‌ها و امکانات تفریحی در جوامع دانسته‌اند (Dorr, 2002, p. 9) و ...

۴۴. در اینجا لازم است تفاوتی را میان حوزه فعالیت برنامه‌ریزی و طراحی شهری قائل شد که یکی از تمایزات اساسی میان این دو تفاوت در محتوایی است که با آن در ارتباط هستند، به طوری که اصولاً در طراحی شهری بر جنبه‌های سه بعدی شهر یا بخشی از آن تأکید می‌شود در حالی که برنامه‌ریزی شهری بیشتر بر فعالیت‌ها و جنبه‌های دو بعدی شهر متمرکز است. البته در ایران از دو حوزه طراحی و برنامه‌ریزی شهری بیشتر تحت عنوان شهرسازی صحبت است و تفاوت چندانی میان حوزه عمل این دو در نظر گرفته نمی‌شود، که یکی از دلایل اصلی این امر جوان بودن تخصص طراحی شهری در ایران می‌باشد.

45. Livability Comparison Approach
46. Personal Well-being Approach
47. Community Trends Approach
48. Wage Differentials Approach
49. Market/Resident Approach
50. Blum
51. Mitchell et al.
52. Community-trend
53. F. Fahy, M. Ó Cinnéide

۵۴. جوهر اندیشه خردگرایانه از این قرار است که اشیاء و پدیده‌ها می‌توانند بدون آنکه احدی هرگز آن‌ها را تجربه کرده باشد، وجود داشته باشند.

55. Massam

## References

- Alexander, C. (1987). *A New Theory of Urban Design*, New York: Oxford University Press.
- Almandiger, P. (2002). *Planning Theory*. (Bahmanpoor, E. Trans.). Tehran: Publication of Azerakhsh.
- Bahrayni, S.H. (2009). *Aanalysis Theoretical of Contemporary Urban Design*, Vol. 1. Tehran: Publication of Tehran University.
- Bowling, A. (1997). *Measuring Health: A Review of Quality of Life Measurement Scales*. Main Head. Open University Press.
- Broadbent, G. (1990). *Emerging Concepts in Urban Space Design*. London: Van Nostrand Reinhold.
- Brown, I., Raphael, D. & Renwick, R. (1998). *Quality of Life Profile*. Quality of Life Research Unite. Center for Health Promotion: University of Toronto.
- Campbell, A., Converse, P.E. & Roders, W.L. (1976). *The Quality of American Life: Perceptions, Evaluations & Satisfaction*. Russell Sage Foundation: New York.
- Canter, D. (1977). *The Psychology of Place*. London: The Architectural Press LTD.
- Cherry, E. (1998). *Programming for Design: From Theory to Practice*. (Pornaseri, Sh. Trans.). Tehran: Ministry of Housing & Urban Development.
- Dissart, J. & Deller, S. (2000). Quality of Life in the Planning Literature. *Journal of Planning Literature*.
- Evcil T., Nilay, A. & Atalik G. (2001). *Possibilities and Limitations for the Measurement of Quality of Life in Urban Areas*. Social Indicators Research.
- Faludi, A. (1973). *Planning Theory*. Oxford: Pergamon Press.
- Fahy, F. & Cinnéide, M. (2008). Developing and Testing an Operational Framework for Assessing Quality of Life. Environmental Impact Assessment Review. Available Online at [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- Friedmann, J. (1987). *Planning in the Public Domain*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Friedmann, J. (2003). Why do Planning Theory? *Journal of Planning Theory*. Available from <http://www.sage-publications.com>.
- Gary T.M. (1991). *Linking Environment-Behaviour and Design Theories: Framing the Debate*. Mexico: EDRA 22, Oaxtepec.
- Golkar, K. (2009). Urban Design Theories: Analysis Typology of Theories. *Journal of Soffeh*, Vol. 21.
- Grout, L. & Wang, D. (2002). *Architectural Research Methods*. (Eynifar, A. Trans.). Tehran: Publication of Tehran University.
- Heath, T. (1994). *Methods in Architecture*. Chichester: Wiley.
- Kline E. (2001). *Indicators for Sustainable Development in Urban Areas*.
- Devuyt D, Hens L, De Lannoy W. (2001). *How Green is the City?*, USA: Columbia.
- Kobus D. (2005). *Development and Testing of a Conceptual Framework for Assessment of Progress Towards Achieving Sustainable Development in Countries in Transition*. J. Environ Assess Policy Manage.
- Lang, J. (1987). *Creating Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design*. (Eynifar, A. Trans.). Tehran: Publication of Tehran University.
- Lang, J. (2005). *Urban Design: Typology Procedures and Projects with Over Fifty Case*. (Bahrayni, S.H. Trans.). Tehran: Publication of Tehran University.
- Johnson, P. (1994). *The Theory of Architecture: Concepts, Themes and Practices*, New York: Van Nostrand Reinhold.
- Massam, B.H. (2002). *Quality of Life: Public Planning and Private Living*. Progress in Planning.
- McCrea, R., Shyy, T., Stimson, R. (2006). *What is the Strength of the Link between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life*. Applied Res. Q. Life.
- Mitchell, G. (2000). *Indicators as Tools to Guide Progress on the Sustainable Development Pathway*. Urban International Press.
- Mitchell, G., Namdeo, A., Kay, D. (2001). A New Disease-Burden Method for Estimating the Impact of Outdoor Air Quality on Human Health. *Sci. Total Environ*.
- Moudon, A. V. (1992). A Catholic Approach to Organizing What Urban Designer Should Know. *Journal of Planning Literature*.
- Myers, D. (1988). Building Knowledge about Quality of Life for Urban Planning, *Journal Report* (APA Journal).
- Randolph, J. (2004). *Collaborative Environmental Management and Public Participation*. In Environmental Land Use Planning and Management. Washington, DC: Island Press.
- Rapoport, A. (1977). *Human Aspects of Urban Form: Towards a Man-Environment Approach to Urban Form & Design*. Oxford: Pergamon Press.

- Rezazadeh, R. (2003). *Application of Environmental Sciences at the Urban Design Study*. Fine Art Publication. Tehran University.
- RIVM, (2002). In: Bouwman, A., Van Kamp, I., Van Poll, R. (Eds.), Report 630950 00x. Workshopverslag Leefomgevingskwaliteit II. Verslag Workshop, 18 December 2001, in press.
- Rogerson, R.J. (1997). *Quality of Life in Britain*. University of Strathclyde. Glasgow.
- Shafer, C.S., Koo Lee, B., Turner, S. (2000). *A Tale of Three Greenway Trails: User Perceptions Related to Quality of Life*. Landscape Urban Plan.
- Sun, Y. (2005). *Development of Neighborhood Quality of Life Indicators*. Community-University Institute for Social Research. University of Saskatchewan.
- Szalai, A. & Andrews, F.M. (1980). *The Quality of Life: Comparative Studies*. SAGE Studies in International Sociology. Sponsored by the International Sociological Association/ ISA.
- Tiryakian, E.A. (1968). *Typologies. International Encyclopedia of the Social Sciences*. New York: Macmillan.
- Ulengin, B. F., Ulengin, U. (2001). *A Multidimensional Approach to Urban Quality of Life: The Case of Istanbul*.
- Yiftachel, O. (1989). *Towards a New Typology of Urban Planning Theories*. Environment & Planning B: Planning & Design.

